

فضول باشی و مدیران بومی پروازی

تا به امروز در ارتباط با مدیران، اصطلاحات مختلفی را شنیده‌ای ولی گوش کن که می‌خواهم یک اصطلاح ناب، جدید و پرمعنی را برای شما تعریف بکنم. هزاران حرف در دل این اصطلاح جای دارد و اگر دقت بکنی به‌خوبی منظور من را درک خواهی کرد. حال به من بگو تا حال مدیر بومی پروازی شنیده و یا دیده‌ای؟

گفتم: فضول باشی، این روزها خیلی سیاسی شده‌ای، همه تو را فضول باشی ورزش می‌شناسند ولی گویا قصد داری که موضع ات عوض و سیاست را جایگزین ورزش بکنی. بگذاریم، این اصطلاح مدیر مدیر بومی پروازی چه صیغه‌ای است، این اختراع جدید تو می‌باشد؟ بگو که قصد و هدف تو از ابداع و آن چه بوده‌است؟

گفت: بابا ورزش را کم کم دارم فراموش می‌کنم. نیازی به صحبت در این مورد نیست. گویا حال ورزش اردبیل خوب است و دست‌اندرکاران آن به فکر پیچیدن نسخه شفا بخش به دیگر رشته‌ها هستند. حال بد برخی از رشته‌ها از جمله وزنه‌برداری کشور را گویا ما می‌خواهیم خوب بکنیم. همه چیر در ورزش عالی و سر جای خودش است و بنابراین روزم را با سرکشیدن به مجامع سیاسی سپری می‌کنم. خوب گوش کن و ببین درچه اوضاعی گرفتار شده‌ایم. بعد از معرفی وزرا، برخی از مدیران که بومی هستند به مدیر پروازی تبدیل‌شده و مدال پرافتخار مدیر بومی پروازی را به سینه زده‌اند.

گفتم: بیکاری و به‌دنبال بهانه می‌گردی تا موضوعی را مطرح بکنی و در دنیای سیاست اسمی برای خود دست‌وپا نمایی. سیاست چون ورزش نیست که هر چه دل تنگ ات بخواهد بر زبان بیاوری، این‌جا ممکن است با یک کلمه و یا با یک جمله برای همیشه پرونده ات را مختومه بکنی.

فضول باشی نگاهی پرمعنی به من انداخت و گفت: من حرف حق را می‌زنم حال اگر کسی خوشش نیاید مختار است ولی می‌گویم تا حداقل در اصلاح رفتارشان همت بکنند و همه‌چیز را فدای ماندن در مدیریت و قدرت خلاصه نکنند.

در ادامه افزود: این قبیل مدیران که پایه‌های کاخ مدیریت را لرزان می‌بینند برای استحکام بخشیدن به پیچ‌های صندلی قدرت به تکاپو

افتاده و سه روز در هفته را به تهران میروند تا با حضور دست به سینه در وزارتخانه، مراتب ارادت، عشق و علاقه مندی به وزیر و تیم او را نشان بدهند. جالبتر این که وقتی وزیر در وزارتخانه نباشد و یا در جلسهای حضور داشته باشد از موقعیت استفاده کرده برای زیارت روی چون ماه نمایندگان استان به مجلس شورای اسلامی سری میزنند و قربان صدقه میروند و خود را مدیری حرف گوشکن و ارادتمند معرفی می نمایند.

گفتم: بزرگوار اگر این قبیل رفتارها که ادعا می کنی صحت داشته باشد بهترین دلیل برای ضعف و ناتوانی و عدم کارایی یک مدیر می باشد. مدیری که با رفتارهای نسنجیده به دنبال بحث های انحرافی و متوجه کردن اذهان مسئولین به موضوعات فرعی باشد، شایستگی پوشیدن قبای مدیریت را نخواهد داشت. مدیری که به دنبال کارهای صوری، ادایی و سطحی باشد در میانه راه ترمز می برد و مدیری که از محتوا و باطن غافل باشد و به ظاهر و فرم امور دل خوش بکند سرنگونی اش حتمی خواهد بود.

فضول باشی با خونسردی گفت: به این قبیل دوستان که خیلی مدعی هم هستند می گویم که:

به که مشغول به این شغل نسازی خود را

این نه کاری است مبادا که بیازی خود را